

**Predigt zum 6. Sonntag nach Trinitatis, 27.7.2025,
Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf (SELK),
Pfr. Gerhard Triebe**

1. Petrus 2,2-10:

۲. همان‌گونه که نوزادان تازه متولد شده با اشتیاق به دنبال شیر خالص هستند، شما نیز باید با اشتیاق به دنبال کلام راستین خدا باشید،
تا از طریق آن در ایمان رشد کرده و نجات یابید.

۳. زیرا شما طعم نیکویی خداوند را چشیده‌اید.

۴. نزد او بیایید، نزد آن «سنگ زنده» که گرچه از سوی مردم رد شد، اما نزد خدا برگزیده و گران‌بهاست.

۵. شما نیز مانند سنگ‌های زنده، خود را برای بنای خانه‌ای روحانی آماده کنید؛ خانه‌ای که در آن روح خدا حاضر است.
شما به عنوان کاهنانی مقدس، قربانی‌هایی روحانی را تقدیم می‌کنید که به واسطه عیسی مسیح برای خدا پسندیده است.

۶. از این رو در کتاب مقدس آمده است:
«بنگرید، من در صهیون سنگی می‌نهم، سنگی برگزیده و گران‌بها به عنوان سنگ زاویه،
و هر که به او ایمان آورد، هرگز شرمند نخواهد شد.»

۷. برای شما که ایمان دارید، این سنگ گران‌بهاست؛
اما برای کسانی که ایمان ندارند:
«سنگی که معماران رد کردند، به سنگ اصلی بنا تبدیل شد.»

۸. و نیز:
«او سنگ لغزش و صخره‌ی سقوط است.»
آنان به دلیل بی‌ایمانی به کلام، به او برخورد کرده و می‌لغزند. و این سرنوشتی است که برای آنان مقدر شده است.

۹. اما شما قوم برگزیده هستید، کاهنانی شاهانه، ملتی مقدس، مردمی که به خدا تعلق دارید،
تا اعمال عظیم او را اعلام کنید؛ همان کسی که شما را از تاریکی به نور شگفت‌انگیز خود فراخواند.

۱۰. شما که پیش‌تر قوم خدا نبودید، اکنون قوم او شده‌اید؛
شما که پیش‌تر رحمتی نیافته بودید، اکنون رحمت خدا را یافته‌اید.

اعضای محترم کلیسا، پنج هفته پیش، همه کشیشان ما به مدت پنج روز در هوفگایسمار، هسن گرد هم آمدند. هدف از این جلسات که هر چهار سال یکبار برگزار می‌شود، «مشورت در مورد مسائل مربوط به آموزه‌ها، عبادت و اعمال کلیسا» و در صورت لزوم «تصمیم‌گیری در مورد این مسائل» است. این جلسات همیشه یک موضوع الهیاتی دارند. موضوع امسال آنچه ما را متحد می‌کند «بود».

واضح است که کلیسای ما و روحانیون ما دلیلی برای پرداختن به این سوال دارند. این وحدت بدیهی نیست و شاید دیگر نباشد. بنابراین، از همه شرکت‌کنندگان خواسته شد تا بیانیه‌ای کوتاه

بنویسند و ارائه دهند که در آن بتوانند برداشت‌ها و نظرات خود را در مورد وضعیت کلیسا ارائه دهند. بار دیگر کاملاً مشخص شد که تنش‌ها در کلیسای ما در حال حاضر بسیار زیاد است.

این موضوع نه تنها به این سوال مربوط می‌شود که آیا زنان باید اجازه داشته باشند در کلیسای ما کشیش شوند یا خیر. برخی حتی خدمت زنان در کلیسا را به طور کلی زیر سوال می‌برند در پشت این سوال، این سوال نهفته است که چگونه کتاب مقدس باید به درستی درک و تفسیر شود. این موضوع همچنین بر مسائل اجتماعی-سیاسی فعلی مانند نحوه برخورد با پناهندگان تأثیر می‌گذارد. اختلاف نظرها در اینجا نیز به وضوح مشهود است. چه چیزی ما را در کلیسایمان متحد می‌کند؟ چه چیزی ما را به هم متصل می‌کند، چه چیزی مهم است، چه چیزی بی‌اهمیت است؟ برای اینکه در آینده با هم بمانیم و مسیرمان را با هم ادامه دهیم، به چه چیزی نیاز داریم؟

سخنان اول پطرس که همین الان شنیدیم، می‌تواند کمک ملموسی در پاسخ به این سؤالات به ما ارائه دهد. زیرا رسول در اینجا به روشنی در مورد موضوع کلیسا صحبت می‌کند. خوانندگان او مسیحیانی هستند که تازه غسل تعمید گرفته‌اند: کسانی که، به اصطلاح، "مانند نوزادان تازه متولد شده"، همانطور که در ابتدا می‌گوید، برای شیر کلام خدا فریاد می‌زنند

بسیاری از اعضای جماعت ایرانی تبار ما احتمالاً به طور مشابه آن را بیان می‌کنند: آنها غسل تعمید خود را به عنوان آغاز یک زندگی جدید تجربه می‌کنند. البته، حتی کودکان خردسال نیز در غسل تعمید دوباره متولد می‌شوند، در یک زندگی جدید و فناپذیر متولد می‌شوند. اما وقتی کسی به عنوان یک بزرگسال غسل تعمید می‌گیرد، معمولاً این آغاز جدید زندگی خود را بسیار آگاهانه‌تر از یک نوزاد تجربه می‌کند. اما عامل تعیین‌کننده این نیست که آیا ما احساس تولد دوباره می‌کنیم، بلکه این است که ما واقعاً به واسطه غسل تعمید خود، دوباره متولد شده‌ایم. و به عنوان چنین نوزادانی، ما به تغذیه نیاز داریم تا پس از تولد تازه‌مان دوباره از نظر روحی گرسنه نمانیم. برای مسیحیان، این چیزی است که خداوند در کلام خود به ما می‌گوید: وعده عشق و مراقبت او و دستورالعمل برای یک زندگی موفق. این تغذیه ما را به عنوان مسیحی تقویت می‌کند و ما را در کلیسا و جماعت در کنار هم نگه می‌دارد. رسول از تصاویر، نقل قول‌ها و مقایسه‌های زیادی برای روشن کردن اینکه کلیسا چگونه است، استفاده می‌کند، جایی که ما از طریق غسل تعمید به هم تعلق داریم

ابتدا، صحبت از یک "سنگ زنده" می‌شود. این سنگ قبلاً چیزهای زیادی را پشت سر گذاشته است: مردم، سازندگان، آن را دور انداخته بودند. در نقشه آنها نمی‌گنجید، اما سازنده می‌توانست و می‌خواست از آن به خوبی استفاده کند. او سنگی را که قبلاً به آوار انداخته شده بود، برداشت و آن را سنگ بنای کل ساختمان قرار داد

داستان این سنگ، داستان عیسی ناصری است. او توسط کاهنان و کاتبان رد می‌شود، اما از طریق او آغازی جدید ساخته می‌شود: برای قوم تازه خدا، برای جماعت، برای کلیسا. این سنگ بنای پشتیبان، شالوده‌ای است که ما را متحد می‌کند. بر روی این شالوده، یک خانه

معنوی بزرگ، خانه خدا، به مدت دو هزار سال ساخته شده است. این امر مستلزم افزودن سنگ‌های زنده بسیار بیشتری است. همه آنها باید جایگاه معناداری در ساختار این خانه معنوی پیدا کنند.

سنگ‌هایی که به صورت جداگانه در اطراف پراکنده شده‌اند، بی‌ارزش هستند. با این حال، در کل ساختمان، هر کدام معنا و هدف خاص خود را دارند. بنابراین، در کلیسا، ما نه تنها توسط سنگ بنای مشترک، عیسی مسیح، متحد هستیم. ما همچنین به یکدیگر متصل هستیم: یکی از دیگری حمایت می‌کند، یکی به دیگری وابسته است، هر کدام برای دیگری مهم است. و ما یک وظیفه مشترک داریم: در کلیسا، همه مردم باید احساس امنیت کنند.

اما تصویر خانه و سنگ‌ها برای رسول کافی نیست تا زندگی و مأموریت کلیسا را توصیف کند. بنابراین، او همچنین مسیحیان را "کاهنان مقدس" می‌نامد، یعنی تیمی که با فداکاری به خدا مشخص می‌شوند، که از او تشکر و ستایش می‌کنند، اعمال بزرگ او را بازگو می‌کنند و برای همسایگان خود کار می‌کنند.

در حالی که تصویر اول خانه و سنگ‌ها ممکن است باعث شود کسی گمان کند که مسیحیان خودکفا هستند - "وقتی هر سنگ جای خود را پیدا کرد، همه چیز مرتب است" - تصویر دوم چنین سوءظنی را برطرف می‌کند. زیرا کاهنان واسطه هستند. آنها در تنش بین خدا و جهان قرار دارند. آنها هر آنچه را که خدا برای ما انجام داده و آنچه را که از ما انتظار دارد، به جهانیان اعلام می‌کنند و با دعاهای خود نیازها و امیدهای جهان را به حضور خدا می‌آورند، تنش و خطر جانی و جسمی این خدمت کاهنی در زندگی عیسی آشکار شد. و با پیروی از او تمام جماعت، چه زن و چه مرد، باید یک کهنانت مقدس باشند. این جماعت نمی‌تواند و نباید - خودخواه بماند؛ نباید از تنش‌ها دوری کند. باید - همانطور که دیتریش بونهوفر گفته است - جماعتی برای دیگران "باشد".

فرصت‌های زیادی برای این کار وجود ندارد: دنیای ما پر از تنش است - بین ثروتمندان و فقرا، بین شمال و جنوب، بین بومیان و تازه واردان، بین نوآوران و حافظان، شاید حتی بین پیر و جوان. مسیحیان اغلب مورد سرزنش قرار می‌گیرند و به آنها گفته می‌شود که باید از این تنش‌ها دوری کنند. آنها باید صرفاً کلیسا باشند، نه چیزی جز کلیسا. با این حال، اگر جامعه مسیح از این توصیه پیروی کند، ممکن است در واقع مسیری کاهنانه را دنبال کند - اما این مسیر کاهن و لاوی در تمثیل سامری نیکوکار است: آنها از کنار مردی که مورد حمله قرار گرفته بود گذشتند - نه از ترس جانشان، بلکه به این دلیل که می‌خواستند برای خدمت خود در معبد پاک بمانند.

اما جامعه عیسی مسیح نیازی به نگرانی در مورد پاکی خود ندارد. بلکه نگرانی آن باید معطوف به ماندن در مسیر عیسی باشد. و این مسیر همیشه به قلب جهان، به تنش‌ها و آزمایش‌ها، جایی که مردم با یکدیگر می‌جنگند، جایی که می‌لرزند و دعا می‌کنند، جایی که امیدوارند و شک دارند، منتهی شده است. جایگاه ما به عنوان مسیحیان در کنار ضعیفان

تنهاییان و حاشیه‌نشینان است. وظیفه ما این است که پیوسته تلاش کنیم تا تنش‌ها را کاهش دهیم - کسانی را که با هم دعوا می‌کنند آشتی دهیم و دل‌سردان را بلند کنیم. این شامل - بسیار مهم دعا است: به عنوان شفاعت، به عنوان شفاعت، و به عنوان نماینده کسانی که نمی‌خواهند دعا کنند یا دیگر نمی‌توانند دعا کنند. این ستایش و تشکر از آنچه خداوند روزانه به ما می‌دهد، است. اینها همه «قربانی‌هایی» هستند که پطرس در اینجا از آنها صحبت می‌کند. برای او آنها «قربانی‌هایی هستند که در آنها روح خدا کار می‌کند و برای او خوشایند است زیرا از «طریق عیسی مسیح انجام می‌شوند»

در نهایت، او کلیسا را در اینجا با تصویر سومی توصیف می‌کند: «شما قوم برگزیده ۳. هستید: یک کاهن سلطنتی، یک ملت مقدس، یک جامعه که به شکلی خاص متعلق به خداست.» برخی از مسیحیان امروز ممکن است چنین وعده‌ای را شرم‌آور بدانند. از این گذشته، آنها نمی‌خواهند خاص یا متفاوت از دیگران باشند. و البته، هیچ دلیلی وجود ندارد که به عنوان مسیحی، بینی خود را بالا بگیریم. اما ما مسیحیان از «اعمال عظیم خدا» شنیده‌ایم ما عشق او را تجربه کرده‌ایم. بنابراین، ماموریت ما این است که آنچه را که شنیده‌ایم و تجربه کرده‌ایم به مردم منتقل کنیم، همانطور که آن رستاخیز یافته در قرائت انجیل امروز می‌گوید همه را پیرو من کنید، آنها را تعمید دهید و به آنها بیاموزید که از آنچه به شما سپرده‌ام» محافظت کنند.» برای این کار او به ما قول می‌دهد: «من همیشه با شما هستم، حتی تا پایان عصر.» پس چه چیزی ما را در کلیسایمان متحد می‌کند؟ از طریق غسل تعمید، ما در یک زندگی جدید و فناپذیر متولد می‌شویم که در آن همه ما با هم از کلام خدا زندگی می‌کنیم. پایه مشترک ما سنگ بنا، عیسی مسیح است. بر این پایه، ما با هم کلیسا را به عنوان "سنگ‌های زنده" تشکیل می‌دهیم. همه مردم باید در آن امنیت پیدا کنند. در آن، ما خدا را به خاطر اعمال بزرگش شکر می‌کنیم و به عنوان "کاهنان مقدس"، برای ضعیفان و محرومان شفاعت می‌کنیم در آن، ما عشق خدا را به هموعان خود منتقل می‌کنیم. با این همه اشتراک، چند تفاوت نیز باید قابل تحمل باشد. آمین